



نگاهی تازه به اسناد حکمت‌های نهج البلاغه

وحید سبزیان پور^{۱*}، فرزانه فتاحیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۲

چکیده

سیدرضی برای سخنانی که از حضرت علی(ع) در نهج البلاغه نقل کرده است، سند و مدرکی نیاورده است. با آنکه فصاحت و بلاغت علی(ع) برای عام و خاص امری بدیهی است، و بازتاب آن در نثر و نظم عربی و فارسی روشن‌تر از خورشید است، این امر از دیرباز موجب شده است برخی از علمای اهل سنت و در این اواخر برخی مستشرقین و پژوهشگران عرب در صحت انتساب این کتاب به علی(ع) تردید روا دارند. به همین سبب صاحب‌نظران شیعه، تلاش گسترده‌ای برای نشان دادن اسناد و مدارک نهج البلاغه مبذول داشته‌اند، دانشمندی چون کاشف‌الغطا، امتیاز علی‌خان عرشی، عبدالزهره حسینی، محمدمهدی جعفری و محمد دشتی، تلاش بسیار کرده‌اند که با اشاره به منابع شیعه و اهل سنت صحت انتساب این حکمت‌ها را به علی(ع) نشان داده هر یک سعی کرده‌اند نقایص تحقیقات گذشتگان را کامل کنند. پژوهشگران این عرصه با وجود تلاش بسیار، موفق به کشف منابع بسیاری از سخنان منسوب به علی(ع) نهج البلاغه نشده‌اند. در این پژوهش‌ها به سبب محدودیت‌های مختلف از جمله عدم دسترسی به منابع عربی نقایص متعددی دیده می‌شود که سخت نیازمند به بازنگری و بررسی مجدد است از جمله در این تحقیقات منابعی دیده می‌شود که بعد جمع‌آوری نهج البلاغه نوشته شده‌اند بسیاری از آنها از منابع شیعه است که از نظر اهل سنت و مخالفان قابل قبول نیست، برخی دیگر وجود خارجی ندارند و یا حکمت را به شخصی غیر از علی(ع) نسبت داده‌اند. در این مقاله ضمن نقد کتاب‌های اسناد نهج البلاغه، با بررسی ۲۵۰ حکمت از ۴۸۰ حکمت منسوب به علی(ع) در نهج البلاغه (حکمت‌های شماره ۱ تا ۲۵۰) به اسناد و مدارکی از منابع اهل سنت (به‌منزله خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران)، دست یافته‌ایم که دیگر پژوهشگران و صاحب‌نظران این امر به آن اشاره نکرده‌اند. حاصل این پژوهش ارائه اسنادی از کتب اهل سنت است که برای اولین بار، صحت اسناد ۱۰۰ حکمت از ۲۵۰ حکمت اول نهج البلاغه را به علی(ع) اثبات می‌کند.

کلید واژه‌ها: علی(ع)، نهج البلاغه، حکمت، اسناد و مدارک نهج البلاغه

۱. دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

* نویسنده مسئول

مقدمه

در اغلب تحقیقاتی که درباره اسناد و مدارک نهج‌البلاغه صورت گرفته، استناد به کتب شیعه به‌ویژه آنها که پس از سیدرضی نوشته شده بسیار است، در این مقاله از اشاره به این نوع منابع خودداری کرده‌ایم زیرا از نظر مخالفان، این احتمال وجود دارد که مأخذ آنها خود نهج‌البلاغه باشد، به‌همین سبب از اعتبار کافی برخوردار نیست.

هر چند شیعه معتقد است بسیاری از این منابع، معاصر و یا قبل از سیدرضی بوده و آنها از کار سیدرضی اطلاع نداشته و منابعی غیر از نهج‌البلاغه در اختیار آنها بوده، در این مقاله بنا به قول «الفضل ما شهدت به الاعداء» منابع ما فقط کتب اهل سنت است و به هیچ یک از کتب شیعه استناد نکرده‌ایم.

از بین ۲۵۰ حکمتی که مورد بحث قرار داده‌ایم در مجموع برای صد حکمت اسنادی نقل کرده‌ایم که در پژوهش‌های قبل اشاره‌ای به آنها نشده است: ۲۵ مورد از حکمت‌هایی است که هیچ منبع اهل سنتی برای آنها نقل نشده ۱۵ مورد حکمت‌هایی هستند که منابع اهل سنت آنها اشتباه است و ما منبع جدید اضافه کرده‌ایم، ۶۰ مورد از حکمت‌هایی است که دارای منابع اهل سنت بوده و ما منبع جدیدی به آنها اضافه کرده‌ایم. لازم به ذکر است که در تحقیق محققان نهج‌البلاغه اشاره‌ای به کتاب تذکره حمدونیه نشده است، در حالی که بسیاری از جمله‌های حکیمانانه علی(ع) در این کتاب نقل شده است.^۲

در این مقاله ابتدا با بررسی و تأمل در اسناد حکمت‌های نهج‌البلاغه در کتاب‌های: «مستدرک نهج‌البلاغه، هادی کاشف‌الغطا»، «استناد نهج‌البلاغه، امتیاز علی‌خان عرشی»، «مصادر و اسانید نهج‌البلاغه، عبدالزهره حسینی» و «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، محمد مهدی جعفری» و «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، محمد دشتی» به این نتیجه رسیده‌ایم که استناد به برخی از کتب اهل سنت نیازمند نقد و بازنگری است و بسیاری از منابع اهل سنت انتساب این سخنان حکیمانانه را به علی(ع) تأیید کرده‌اند ولی جای آنها در پژوهش‌های انجام شده خالی است.

۱. ابن حمدون، ابوالعالی محمد بن حسن، ادیب و شاعر بغدادی قرن ششم هجری است، که مؤلف کتاب ارزشمند تذکره حمدونیه است، این کتاب علاوه بر نکته‌های فراوان و گوناگون ادبی، نمونه‌های متعددی از عهدنامه‌ها بیعت‌نامه‌ها، مقامه‌ها، محاضرات، فرمان‌ها و امثال آنها را در بردارد که منبع نویسندگان پس از خود بوده است (آذرنوش و سیدی، ۱۳۸۳: ۳۶۴).

۲. از جمله حکمت‌های: (ش ۱۰: ۱۷۸/۲)؛ (ش ۲۷: ۲۵۱/۱)؛ (ش ۲۸: ۷۱/۱)؛ (ش ۳۹: ۷۱/۱)؛ (ش ۵۶: ۱۱۶/۸)؛ (ش ۷۳: ۲۹۳/۱)؛ (ش ۱۳۵: ۷۴/۱)؛ (ش ۱۳۷: ۷۴/۱)؛ (ش ۱۵۱: ۷۴/۱)؛ (ش ۱۵۲: ۷۴/۱)؛ (ش ۱۶۷: ۹۳/۳)؛ (ش ۱۷۷: ۲۹۷/۱)؛ (ش ۱۸۷: ۷۴/۱)؛ (ش ۱۸۹: ۲۹۹/۴)؛ (ش ۲۰۸: ۳۶۰/۱)؛ (ش ۲۱۳: ۳۷۵/۱)؛ (ش ۲۳۲: ۲۵۲/۱) و (ش ۲۴۰: ۲۵۲/۱).

البته این احتمال بعید نیست که ابن حمدون حکمت‌های امام علی(ع) را از نهج‌البلاغه گرفته باشد، اما از آنجا که بسیاری از حکمت‌های امام(ع) را به پیامبر(ص) و دیگر ائمه و حکما، نسبت داده امکان استفاده او از نهج‌البلاغه ضعیف می‌نماید، مانند حکمت‌های: (ش ۱۱۳ به پیامبر نسبت داده شده است، نک: ۳۵۷/۱)، (ش ۱۸۵ به عبدالله نسبت داده شده است، نک: ۱۰۵/۱)، (ش ۱۴۰ به جعفر بن محمد بن علی، نک: ۱۱۲/۱) و همین حکمت در جای دیگر همین کتاب به پیامبر نسبت داده شده است، نک: ۱۱۶/۳)، (ش ۱۶۵ به پیامبر نسبت داده شده است، نک: ۲۰۱/۳)، (ش ۲۲۱: از فضل بن یحیی روایت شده است، نک: ۱۷۷/۳) و....

نگاهی به کتب اسناد نهج البلاغه

کاشف الغطا: «مستدرک نهج البلاغه»

۱- به همه حکمت‌ها اشاره نکرده است، ۲- ترتیب حکمت‌ها را حفظ نکرده است مثلاً حکمت شماره ۱ را بعد از حکمت شماره ۲۰ آورده و...، ۳- برای اشاره به اسناد برخی حکمت‌ها به این گفته: «مشهور است که این سخن از امام (ع) است»، اکتفا کرده از جمله: (حکمت شماره ۱: ۲۶۰)، ۴- در بسیاری از موارد به صفحه کتاب اشاره نکرده است، مانند حکمت‌های: (شماره ۱۱، ۲۰ و ۲۲: ۲۶۰)، (شماره ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۰: ۲۶۳) و...، ۵- در فهرست منابع به مشخصات منابع مثل سال چاپ و ناشر اشاره نکرده است و ۶- در بسیاری از موارد منابع شیعی را بدون اشاره به صفحه نقل کرده است مانند حکمت‌های: (شماره ۸۰: ۲۶۱)؛ (شماره ۱۰۵: ۲۶۲) و....

عرشی «استناد نهج البلاغه»

۱- فقط به منبع ۷۹ حکمت اشاره کرده؛ ۲- در اکثر موارد تنها به منابع شیعی اکتفا کرده است؛ ۳- در استناد به سال چاپ و ناشر نیز اشاره‌ای نکرده است.

حسینی «مصادر و اسانید نهج البلاغه»

۱- برخی از منابع حسینی شماره صفحه و جلد ندارد، مانند: (حکمت ۹۲، جلد ۴: ۸۸) و (حکمت ۱۱۴، جلد ۴: ۱۰۶) و ۲- حسینی در نقل از پژوهش‌های ما قبل از خود امانت دار است.

جعفری «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه»

۱- در نقل از پژوهش‌های ما قبل از خود امانت‌دار است، ۲- در برخی موارد جعفری منبعی را نقل کرده که حکمت را منسوب به امام ندانسته، و خود نیز به آن اشاره کرده، مانند: حکمت‌های: (شماره ۴۹: ۱۱۵)؛ (شماره ۱۹۷: ۱۲۲)؛ (شماره ۱۹۹: ۱۲۲) و (شماره ۲۰۶: ۱۲۳).

دشتی «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه»

۱- با آن که دشتی یکی از نقایص پژوهش کاشف الغطا و امتیاز علی‌خان عرشی را نداشتن صفحه، جلد و سال چاپ دانسته (۱۶ و ۱۷) در برخی موارد نیز خود دچار این نقیصه شده، (نک: ۳۱۳، ۳۱۴، ۲۷۲ و...)، ۲- در فهرست منابع نیز جای ناشر و سال چاپ خالی است، ۳- غالب منابع دشتی شیعی است، ۴- در اسناد او شرح‌های نهج البلاغه مثل ابن‌میثم مانند حکمت‌های: (ش ۶۱: ۲۷۶)؛ (ش ۶۲: ۲۷۶)؛ (ش ۶۹: ۲۷۹) و... دیده می‌شود، ۵- از ۲۵۰ حکمت موردنظر در این مقاله در بیش از ۱۲۰ حکمت، به نسخه‌های

خطی نهج البلاغه ارجاع داده است،^۱ مثل حکمت‌های: (ش ۲: ص ۲۴۹)؛ (ش ۹: ص ۲۵۱)؛ (ش ۱۰: ص ۲۵۲)؛ و... و ۶- دشتی همه منابع حسینی را با همان منبع و صفحه نقل کرده به گونه‌ای که هر جا حسینی خطائی در ارجاع کرده است، دشتی هم آن را تکرار کرده است، در پی‌نوشت به برخی از آنان اشاره کرده ایم.

شیوه این مقاله

شیوه ما در این مقاله به این ترتیب است که ابتدا سخن علی(ع) را نقل کرده سپس منبع یا منابعی از اهل سنت را نقل کرده ایم که در کتاب‌های اسناد نهج‌البلاغه اشاره‌ای به آنها صورت نگرفته است. در سطر بعد پس از علامت ستاره (*) در گیومه به منابعی از اهل سنت اشاره کرده ایم که در کتب اسناد نهج‌البلاغه به اشتباه آمده، توضیح خود را در پرانتز نقل کرده ایم؛ ضمناً از ترجمه‌ی حکمت‌ها به سبب وجود ترجمه‌های متعدد و نقل کامل متن عربی برخی از حکمت‌های طولانی، به سبب مجال اندک مقاله خودداری کرده ایم.

در این مقاله علائم اختصاری «ش»، «ص»، «ح»، «ج» به ترتیب عبارتند: از شماره، صفحه، حکمت و جلد کتاب. ضمناً شماره حکمت‌ها را بر اساس کتاب دشتی، «روش‌های...» تنظیم شده است.

۱- قال علیه‌السلام: كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنَ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبَ، وَلَا ضَرْعَ فَيَحْلَبَ.

(ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۳۷۳/۱ و طالبی^۲، ۱۴۲۳: ۱۴۴/۱)

حسینی (۱۳۶۷: ۷/۴)، جعفری (بی‌تا: ۱۱۱) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۴۸): «الامتناع و المؤمنة»، (به حدیقه نسبت داده است، نک: توحیدی، ۱۴۲۴: ۲۲۲)

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۴۸): «البيان و التبیین»، (به حدیقه نسبت داده شده است، نک: جاحظ، ۱۴۲۳: ۶۶/۲)

۲- و قال علیه‌السلام: أُرْزَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ، وَ رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ، وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنِ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۴/۱)

ابن‌حمدون (۱۴۱۷: ۱۱۷/۳) و نویری (۱۴۲۴: ۳۴۵/۳): فقط «أُرْزَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ» اشاره کرده اند.

۱. احتمالاً هدف دشتی این بوده که نشان دهد سیدرضی این حکمت را نقل کرده و دخل و تصرفی در نهج البلاغه سیدرضی صورت نگرفته است. در هر صورت آنچه در این مقاله مهم است اثبات این است که آیا کتابی که سید رضی به نام نهج البلاغه جمع‌آوری کرده، از حضرت علی(ع) است یا نه، این نکته که ثابت کنیم فلان حکمت را سید رضی در نهج البلاغه نقل کرده یا نه، برای مواجهه با مخالفان ارزشی ندارد.

۲. دشتی (۱۳۶۷: ۴۶۷)، بجای طالبی «یمانی» نوشته است.

* حسینی (۱۳۶۷: ۱۰/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۴۸): «زهر الاداب»، (دیده نشد).

۳- وقال عليه السلام: الْبُخْلُ عَارٌ، وَالْجِنُّ مَنْقَصَةٌ وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِينَ عَنِ حُجَّتِهِ، وَالْمَقِيلُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَيْهِ.
(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۲؛ ۳۹۷/۲؛ ۲۵۰/۱)

أبی (۱۴۲۴: ۱۹۴/۱): فقط به «وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِينَ عَنِ حُجَّتِهِ»، اشاره کرده است.

۴- وقال عليه السلام: الْعَجْزُ آفَةٌ، وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ وَالزُّهْدُ ثَرَوَةٌ، وَالْوَرَعُ جَنَّةٌ وَنِعْمَ الْقَرِينُ الرَّضَا.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۱؛ ۳۹۹/۴؛ ۲۵۱/۱)

ابن حمدون به عبارت «وَالزُّهْدُ ثَرَوَةٌ» اشاره نکرده است.

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۴۹): «البيان و التبيين» و «الامتناع و المؤمنة»، (دیده نشد).

۵- وقال عليه السلام: الْعِلْمُ وَرِائَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ.

ابن حمدون (۱۴۱۷: ۲۵۱/۱): «الْعِلْمُ وَرِائَةٌ كَرِيمَةٌ».

أبی (۱۴۲۴: ۱۹۴/۱): «وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ».

ابن حمدون (۱۴۱۷: ۸۸/۱): «وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ».

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۰): «البيان و التبيين» و «الإمتناع و المؤمنة»، (دیده نشد).

۶- وقال عليه السلام: صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ، وَالْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ، وَالْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ، أَوْ، وَ الْمُسَالَمَةُ خِبَاءُ الْعُيُوبِ.

ابن حمدون (۱۴۱۷: ۲۵۱/۱ و ۳۷۳/۱) و زمخشری (۱۴۱۲: ۴۴۱/۲): به جزء دوم از البشاشة... تا العيوب، و

حصری، (بی تا: ۸۰/۱): نیز به جزء دوم تا العيوب به این صورت: «البشاشة فح المودة. والصبر قبر المغبون».

أبی، (۱۴۲۴: ۱۹۴/۱): جزء دوم به صورت: «البشاشة فح المودة».

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۰): «البيان و التبيين» و «الإمتناع و المؤمنة»، (دیده نشد).

۹- وقال عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ.

(خوارزمی، ۱۴۱۸: ۳۸۰ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۱)

۱۱- وقال عليه السلام: إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱/ ۱۹۹؛ ثعالبی، بی‌تا: ۳۹؛ حصری، بی‌تا: ۸۱/۱؛ ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۱۰۴/۴؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۱۳/۲ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۱۹۷)

۱۲- و قال علیه السلام: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ.
(ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۳۶۴/۴)

* حسینی (۱۳۶۷: ۱۴/۴)^۱ و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۳): «موشی»، (به خالد بن صفوان نسبت داده شده، نک: و شاء، ۱۳۷۱: ۲۴)

* عرشى (۱۳۵۱: ۶۴)، جعفرى (بی‌تا: ۱۱۱) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۳): «عیون الاخبار»، (به امام نسبت داده نشده است. نک: ابن قتیبه، ۱۴۱۸: ۳/۳)

۲۰- و قال علیه السلام: أَقِيلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَثْرَاتِهِمْ فَمَا يَعْتَرُّ مِنْهُمُ عَاثِرٌ إِلَّا وَ يَدُ اللَّهِ بِيَدِهِ يَرْفَعُهُ.
(زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۱۳/۲ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۱۹۷)

* کاشف الغطا (بی‌تا: ۲۶۰)^۲، حسینی (۱۳۶۷: ۲۱/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۶): «عیون الاخبار»، (به امام نسبت داده نشده، ابن قتیبه آن را حدیث مرفوع دانسته است، نک: ابن قتیبه، ۱۴۱۸: ۱۱۴/۳)^۳.

۲۱- و قال علیه السلام: قُرْنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْخَيْبَةِ، وَالْحَيَاءُ بِالْجُرْمَانِ، وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ.

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳۵۰/۱ و ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۳۷۳/۱)

(ثعالبی، بی‌تا: ۱۴۳)، دو جزء اول تا الفرصة و (نویری، ۱۴۲۴: ۴۷/۶)، جزء سوم، الفرصة...

* حسینی (۱۳۶۷: ۲۱/۴)^۴، و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۶): «عیون الاخبار»، (به امام نسبت داده نشده، نک: ابن قتیبه، ۱۴۱۸: ۴۸/۱)

۲۳- و قال علیه السلام: مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ.

۱. حسینی «موشی» را بعنوان منبع معرفی کرده است و به ابن شعر امام استناد کرده: (و شاء، ۱۳۷۱: ۱۹) و روی آن علی علیه السلام قال: وأكثر من الإخوان ما اسطعت إنهم... عماد، إذا استجدتهم، وظهور

۲. کاشف الغطا اشاره کرده که این سخن در «عیون الاخبار» جزء حدیث مرفوع است.

۳. حسینی و دشتی به نقل از ابن ابی‌الحدید این حکمت را منسوب به امام دانسته‌اند، به نظر می‌رسد ابن ابی‌الحدید (۱۳۳۷: ۱۲۸/۱۱) در نقل این سخن دچار سهو شده است.

۴. حسینی اشاره کرده که جزء دوم این حکمت در «عیون الاخبار» نیامده دشتی همه حکمت را، از حکمت‌های منسوب به امام در «عیون الاخبار» دانسته است.

(ابی، ۱۴۲۴: ۲۲/۱)، (به صورت: مَنْ أُنْبِطَ بِهِ لَمْ يَسْرِعْ حِسْبَهُ)

* حسینی (۱۳۶۷: ۲۴/۴) ^۱ و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۸): «تفسیر رازی» و «عقدالفرید»، (به پیامبر نسبت داده شده است، نک: فخر رازی، بی تا: ۴۸۹/۱ و ۶۱۷/۱ و ابن عبد ربه، ۱۴۰۴: ۱۴۸/۲)

۲۹- و قال عليه السلام: إِذَا كُنْتَ فِي إِدْبَارِ الْمَوْتِ فِي إِقْبَالِ فَمَا أَسْرَعَ الْمُلتَقَى.

(ابی، ۱۴۲۴: ۲۲۲/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۱/۱)

۳۸- و قال عليه السلام لابنه الحسن. يَا بَنِيَّ، إِحْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا، وَ أَرْبَعًا...

ابن حمدون (۱۴۱۷: ۳۲۶/۱)

ثعالبی (بی تا: ۲۳۸)، جزئی از بخش اول این حکمت (تا حسن الخلق) را از علی (ع) نقل کرده است.

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۶۴): «عیون الاخبار»، (دیده نشد) و «ربیع الابرار»، (بخش دوم آمده است: از ایاک و المصادقة... نک: ۱۴۱۲: ۴۰۵/۱)

۴۶- و قال عليه السلام: سَيِّئَةٌ تَسُوْمُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۱/۱)

* حسینی (۱۳۶۷: ۴۶/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۰): «عقدالفرید»، (به کسی نسبت داده نشده، نک: ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۱۶۷/۳)

۵۰- و قال عليه السلام: قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۱)

* حسینی (۱۳۶۷: ۴۸/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۱): «سراج الملوک»، (به حکیم نسبت داده شده است، نک: طرطوشی، ۱۲۸۹: ۲۰۳)

۵۲- و قال عليه السلام: أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۰۴/۴ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۱۹۶)

۵۳- و قال عليه السلام: السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً؛ فَأَمَّا مَا كَانَ عَنِ مَسْأَلَةِ فِحْيَاءٍ وَ تَدَمُّمٍ.

۱. حسینی اشاره کرده که در «عقدالفرید» و «تفسیر رازی» به پیامبر نسبت داده شده است.

(ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۲/۲۶۰ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۴/۳۸۰)

۵۴- و قال عليه السلام: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ؛ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ؛ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ؛ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ...
(ثعالبی، بی‌تا: ۳۸ و ۳۶)، دو جزء آخر این حکمت را از علی (ع) نقل کرده است.
* دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۳): «البصائر و الذخائر»، (فقط «لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ» آمده که به پیامبر نسبت داده شده است، نک: توحیدی، ۱۴۰۸: ۱/۱۱) و «عقد الفرید»، (به یک جزء اشاره شده: وَلَا فَقْرَ اضْرَ الْجَهْلِ. نک: ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۲/۱۱۵)

۵۷- و قال عليه السلام: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

(ثعالبی، بی‌تا: ۴۳)

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۴): «العقد الفرید»، (در ذیل امثال اکثم بن صیفی و بزرجمهر فارسی آمده است، نک: ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۳/۱۳) و «نهاية الارب»، (از پیامبر روایت شده است. نک: نویری، ۱۴۲۴: ۳/۲۳۲)

۵۹- و قال عليه السلام: مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ.

(ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۱/۲۵۱)

* حسینی^۱ (۱۳۶۷: ۴/۵۱) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۵۷): «سراج الملوك»، (به حکیم نسبت داده شده است: طرطوشی، ۱۲۸۹: ۲۰۳)

۶۰- و قال عليه السلام: اللِّسَانُ سُبُعٌ إِنْ حُلِيَ عَنْهُ عَقْرَ.

(زمخشری، ۱۴۱۲: ۵/۲۰۴)

۶۱- و قال عليه السلام: الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ حُلُوَّةُ اللَّيْسَةِ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱/۲۲۲ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۵/۲۵۲)

۶۳- و قال عليه السلام: الشَّفِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ.

۱. از نکات قابل تأمل عباراتی حکیمانه است که طرطوشی بدون اشاره به نام امام نقل کرده و حسینی و سپس به تبع او دشتی به غلط همگی را از امام علی (ع) نقل کرده‌اند (نک: طرطوشی، ۱۲۸۹: ۱/۲۰۳).

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۳/۱؛ ثعالبی، بی تا: ۳۷؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۸؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۹۰/۳ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۱۳۸)

۶۴- و قال علیه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَّكِبٌ يُسَارِبُهُمْ وَ هُمْ نِيَامٌ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۲۲۲/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۶۲/۱)

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۷): «زهر الاداب»، (به ابن معتز نسبت داده شده است. نک: حصری، بی تا: ۸۲۶/۳)

۶۵- و قال علیه السلام: فَقَدُ الْأَجِيَةِ غُرْبَةٌ.

(زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۲/۳)

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۷): «المستقصى»، (به امام نسبت داده نشده است، نک: زمخشری، ۱۹۸۷: ۱۸۱/۲)

۶۶- و قال علیه السلام: فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۵۳/۸ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۸۷/۳)

* دشتی (۱۳۶۷: ۲۷۸): «مجمع الامثال»، (ذیل عنوان امثال المولدن آمده؛ و «التمثيل و المحاضرة»، به

امام(ع) نسبت داده نشده است، نک: میدانی، بی تا: ۹۰/۲ و ثعالبی، ۱۴۰۱: ۴۶۶)

۶۷- و قال علیه السلام: لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْجِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ.

(زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۶۹/۴)

۶۸- و قال علیه السلام: أَلْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى.

(ثعالبی، بی تا: ۴۵؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۳/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۹۱/۵)

۷۱- و قال علیه السلام: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامَ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۳/۱؛ ثعالبی، بی تا: ۳۷؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۳۷/۲ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۹۴)

۷۲- و قال علیه السلام: الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ، وَيُجَدِّدُ الْأَمَالَ، وَيُقَرِّبُ الْمَيِّتَةَ، وَيُبَاعِدُ الْأُمْنِيَّةَ: مَنْ ظَفَرَ بِهِ

نَصَبَ، وَمَنْ فَاتَهُ تَعَبَ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۱/۱)، در جای دیگر از همین کتاب (۱۴۱۷: ۳۳۲/۳) از یک راهب روایت شده است.

۷۹- قال عليه السلام: خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ، فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَلُجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ.
(آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۰/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۹/۴)

۸۰- و قال عليه السلام: أَلْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۰/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۹/۴)

* حسینی (۱۳۶۷: ۶۸/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۸۴): «مالی»، (قالی ابن حکمت را یک بار به علی (ع) نسبت داده و در جایی دیگر آن را از معاویه نقل کرده است، نک: قالی، ۱۳۴۴: ۹۴/۲ و ۱۹۴/۱) حسینی (۱۳۶۷: ۶۸/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۸۴): «العقد الفريد»، (به پیامبر نسبت داده شده است. نک: ابن -عبدربه، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۲)

۸۱- و قال عليه السلام: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.

(ثعالبی، ۱۴۰۱: ۲۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۶/۴ و ۳۶/۴ و دمیری، ۱۴۲۴: ۹۲/۲)

۸۴- و قال عليه السلام: بَقِيَّةُ السَّيْفِ أَبْقَى عَدَاً وَ أَكْثَرُ وَاكِدًا.

(آبی، ۱۴۲۴: ۴۴/۵؛ ثعالبی، بی تا، الاعجاز...: ۳۴؛ همو، بی تا، خاص...: ۸۶؛ طرابلسی، ۱۴۲۵: ۴۲۳؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۴۷/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۴)

۸۷- و قال عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَ مَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۲۰/۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۲/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۷۶/۲ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۴۹۳)

۸۸- كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ، وَ قَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَذُنُوبُكُمْ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ: أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ....

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۸۹/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۲/۱)

* حسینی (۱۳۶۷: ۸۵/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۲۸۹): «تفسیر رازی»، (به ابن عباس نسبت داده شده است. نک: فخر رازی، بی تا: ۲۱۴۳/۱) دشتی (۱۳۶۷: ۲۸۹): «مجمع الامثال»، (دیده نشد).

۱. حسینی اشاره کرده که در «تفسیر رازی» به ابن عباس نسبت داده شده است.

۹۰- و قال عليه السلام: أَلْفَقِيهِ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۲۱۶/۱)

۹۱- و قال عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ؛ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ.
(خطيب بغدادی، ۱۴۲۰: ۴۴ و ابن جوزی، ۱۴۱۰: ۱۵/۱)

۹۲- و قال عليه السلام: أَوْضِعْ الْعِلْمَ مَا وَفَّى عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۱۸۹/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۱)

۹۷- و قال عليه السلام: نَوْمٌ عَلَى يَمِينٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۱۹۰/۱؛ توحيدى، ۱۴۰۸: ۲۵/۲ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۲/۱)

۹۸- و قال عليه السلام: اِغْتَلُّوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةِ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ، فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ، وَ رِعَايَتُهُ قَلِيلٌ.
(زمخشرى، ۱۴۱۲: ۶۷/۴)

۱۰۱- و قال عليه السلام: لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ، وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ، وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْتَوُ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۲۱۲/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۵۳/۸)
* جعفرى (بى تا: ۱۱۸)، حسينى (۱۳۶۷: ۹۴/۴) و دشتى (۱۳۶۷: ۲۹۶): «قوت القلوب»، (ديده نشد).

۱۰۶- و قال عليه السلام: لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۲۱۲/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۲/۱)

۱۰۷- و قال عليه السلام: لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَ لَا يُضَارِعُ، وَ لَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ.
(أبي، ۱۴۲۴: ۱۹۹/۱ و اصفهانی، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۷)

۱۱۳- و قال عليه السلام: لِأَمَالِ أَعْوَدٍ مِنَ الْعَقْلِ، وَ لِأَوْحَادٍ أَوْحَشَ مِنَ الْعُجْبِ، لِأَوْحَادٍ أَوْحَشَ مِنَ الْجَهْلِ...

ابن عبدربه (۱۴۰۴: ۱۱۵/۲)، سه جزء اول تا من‌الجهل.
 میدانی (بی‌تا: ۴۵۳/۲)، به بخشی از این حکمت اشاره کرده است: لا تجارة كالعامل الصالح، ولا ربح كالثواب، ولا فائدة كالتوفيق، ولا حسب كالتواضع، ولا شرف كالعلم، ولا ورع كالوقوف عند الشبهة، ولا عبادة كداء الفرض، ولا عقل كالتدبير، ولا وحدة أوحش من العجب.
 برای این جزء از حکمت «وَلَا إِيمَانٌ كَالْحَيَاءِ وَالصَّبْرِ، لَا عِزٌّ كَالْحِلْمِ» منبعی پیدا نشد.

۱۱۷- و قال عليه السلام: هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُحِبُّ غَالٍ، وَ مُبْغِضٌ قَالٍ.
 (آبی، ۱۴۲۴: ۲۱۱/۱ و زمخسری، ۱۴۱۲: ۳۷۹/۱)

۱۱۹- و قال عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا، وَالسَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا، يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ، وَيَخْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ!
 (توحیدی، ۱۴۰۸: ۱۶۵/۷؛ طرطوشی، ۱۲۸۹: ۲۹ و ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۶۶/۱)

۱۲۴- و قال عليه السلام: غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ.
 (زمخسری، ۱۴۱۲: ۳۴۵/۱)

۱۲۶- و قال عليه السلام: عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ، الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ، وَ يَقْتُوهُ الْغَنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ...
 (آبی، ۱۴۲۴: ۲۲۲/۱؛ ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۵۸؛ ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۲ و طواط، ۱۴۲۹: ۳۶۲)

۱۲۹- و قال عليه السلام: عَظَمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغَّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ.
 (ابن‌حمدون، ۱۴۱۷: ۹۴/۱)

* دشتی (۱۳۶۷: ۳۱۰): «البيان و التبیین»، (دیده نشد).

۱۳۰- و قال عليه السلام، و قد رجع من صفين، فأشرف على القبور بظاهر الكوفة: يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ، وَ الْمَجَالِ الْمُقْفَرَةِ، وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ؛ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ، يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ...
 (حصري، بی‌تا: ۷۹/۱ و ۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۵۰۳/۲ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۵۱۸)
 * دشتی (۱۳۶۷: ۳۱۰): «المحاسن و الاضداد»، (دیده نشد).

۱۳۳- و قال عليه السلام: الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ، وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْتِقَهَا، وَ رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا.

(آبی، ۱۴۲۴: ۲۰۱/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۶۸/۱)

* عرشى (۱۳۵۱: ۴۸) و دشتى (۱۳۶۷: ۳۱۲): «عقد الفريد»، (به امام على(ع) نسبت داده نشده. نک: ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۳۲/۲)

۱۳۴- و قال عليه السلام: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ، وَ عَيْبَتِهِ، وَ وَقَاتِهِ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۵۴/۴؛ وطواط، ۱۴۲۹: ۵۴۰ و ابسيهي، ۱۴۱۹: ۱۳۴)

۱۳۶- و قال عليه السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ، وَ الْحُجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ. وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ،...

(زمخشري، ۱۴۱۲: ۲۵۲/۵)

۱۳۸- و قال عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.

(آبی، ۱۴۲۴: ۱۷۱/۵؛ ثعالبي، بی تا: ۳۴؛ همو، ۱۴۰۱: ۳۰ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۴/۱)

۱۴۵- و قال عليه السلام: كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ الظَّمَا، وَ كَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ وَ الْعَنَاءُ، حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَ إِفْطَارُهُمْ.

(زمخشري، ۱۴۱۲: ۲۸۳/۲)، (بدون کلمه السهر).

* حسینی (۱۳۶۷: ۱۲۴/۴)، جعفری (بی تا: ۱۲۵) و دشتی (۱۳۶۷: ۳۱۷): «قوت القلوب» و «تاریخ اصفهان»، (به پیامبر نسبت داده شده است).

۱۴۸- و قال عليه السلام: الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

(مبرد، ۱۴۲۱: ۶؛ توحیدی، ۱۴۰۸: ۲۳۰/۲؛ ثعالبي، بی تا: ۳۴ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۴۶/۱)

۱۵۸- و قال عليه السلام: عَاتِبٌ أَحَاكٌ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَ ارْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ.

(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۹۵/۱ و وطواط، ۱۴۲۹: ۵۴۸)

۱. جعفری و حسینی اشاره کرده اند که این سخن در «قوت القلوب» و «تاریخ اصفهان» از پیامبر روایت شده و گفته است احتمالاً امام علی حدیث را نقل کرده و جزء آخر «حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَ إِفْطَارُهُمْ» را به آن اضافه کرده است.

١٦١- و قال عليه السلام: مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا.
(ثعالبي، ١٤٢١: ٢١٥/١)

١٦٣- و قال عليه السلام: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ.
(ابشيهي، ١٤١٩: ٢٩٣)

١٧٠- و قال عليه السلام: تَرَكُ الدَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.
(زمخشري، ١٤١٢: ١٠٢/٢)، به صورت: «ترك الخطيئة أهون من طلب التوبة».

١٧٥- و قال عليه السلام: إِذَا هَيْتَ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ.
(ابن حمدون، ١٤١٧: ٣٧٥/١؛ زمخشري، ١٤١٢: ٣١١/٥ و ابشيهي، ١٤١٩: ١٦٦)

١٧٨- و قال عليه السلام: أَحْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ.
(زمخشري، ١٤١٢: ٧٥/٣)

١٧٩- و قال عليه السلام: اللَّجَاجَةُ تَسَلُّ الرَّأْيَ.
(آبي، ١٤٢٤: ٢٢٣/١)

١٩٢- و قال عليه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ.
(ابن قتيبه، ١٤١٨: ٤٠٠/٢؛ زمخشري، ١٤١٢: ٩٠/٥ و ابشيهي، ١٤١٩: ١٦٨)

١٩٥- و قال عليه السلام و قد مر بقدر على مزيلة: هَذَا مَا يَخِلُ بِهِ الْبَاطِلُونَ.
(زمخشري، ١٤١٩: ٣٩٣/٤)

١٩٨- و قال عليه السلام: لَمَّا سَمِعَ قَوْلَ الْخَوَارِجِ «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ: كَلِمَةً حَقًّا يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ».
(ابن اثير، ١٤٢٠: ١٤٥/٣ و نویری، ١٤٢٤: ٩٩ / ٢٠)

١٩٩- و قال عليه السلام: فِي صِفَةِ الْغَوْغَاءِ: هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا، وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يُعْرِفُوا...
(ابن حمدون، ١٤١٧: ٢٥١/١ و ابشيهي، ١٤١٩: ١٦٦)

* دشتی (۱۳۶۷: ۳۴۱): «عقد الفرید»، (به ابن عباس نسبت داده شده است، نک: ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۱۵۲/۲).

۲۰۳- و قال علیه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِذَا قُلْتُمْ سَمِعَ، وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ، وَبَادَرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِذَا هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ، وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ، وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ.
(آبی، ۱۴۲۴: ۱۸۸/۱ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۶۵/۱).

۲۰۶- و قال علیه السلام: أَوَّلُ عِرَاضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ.
(مبرد، ۱۴۲۱: ۸۹/۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۲۰/۲۰؛ طالبی، ۱۴۲۳: ۸۸/۱ و آبی، ۱۴۲۴: ۱۹۷/۱).

۲۰۷- و قال علیه السلام: إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ، إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ.
(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۲۰/۲ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۲۳۳/۲)^۱
* حسینی (۱۳۶۷: ۱۶۴/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۳۴۵): «عقد الفرید»، (به حکما منسوب است، نک: ابن-عبدربه، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۲)

۲۱۴- و قال علیه السلام: مَنْ لَانَ عَوْدُهُ كُنْفَتْ أَعْصَانُهُ.
(ثعالبی، بی تا: ۳۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۲۱۷/۲ و ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۲۵۲/۱)

۲۲۴- و قال علیه السلام: بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ...
(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۱ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۹۴)
* حسینی (۱۳۶۷: ۱۷۹/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۳۵۱): «سراج الملوك»، (به امام نسبت داده نشده، نک: طرطوشی، ۱۲۸۹: ۵۸)^۲

۲۲۶- و قال علیه السلام: الطَّامِعُ فِي وَتَاقِ الدُّلِّ.
(ثعالبی، بی تا: ۳۴)

۲۲۸- و قال علیه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاطِئًا...
(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۵۸/۱)

۱. این حکمت در جای دیگر کتاب «ربیع الابرار» به شخص دیگری نسبت داده شده است، (نک: زمخشری، ۱۴۱۲: ۲۳۲/۴).
۲. حسینی اشاره کرده که در «سراج الملوك» به امام نسبت داده نشده.

- ۲۲۹- و قال عليه السلام: كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا.
(ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۱۶/۳ و نویری، ۱۴۲۴: ۳/۲۳۲)
*حسینی (۱۳۶۷: ۱۸۴/۴) و دشتی (۱۳۶۷: ۳۵۳): «تفسیر کشف و تفسیر رازی»، (دیده نشد^۱).
- ۲۳۳- و قال عليه السلام لابنه الحسن عليهما السلام: لَا تَدْعُونَ إِلَيَّ مُبَارَزَةً، وَ إِن دُعِيتَ إِلَيْهَا فَاجِبٌ، فَإِنَّ الدَّاعِيَ بَاغٌ، وَ الْبَاغِي مَضْرُوعٌ.
(آبی، ۱۴۲۴: ۲۰۳/۱ و نویری، ۱۴۲۴: ۳/۲۱۴)
- ۲۳۵- و قيل له: صف لنا العاقل، فقال عليه السلام: هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ، فَقِيلَ: فصف لنا الجاهل، فقال: قَدْ فَعَلْتُ.
(ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۹۹؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۶۲/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳/۴۴۵-۴۴۶ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۲۱/۱)
- ۲۳۶- قال عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنِّيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقِ خِنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ.
طرابلسی (۱۴۲۵: ۴۸۶)، به صورت: «دنیاهم آهون فی عینی من عطفة عنز» آمده است.
(زمخشری، ۱۴۱۲: ۷۴/۱ و وطواط: ۱۴۲۹: ۱۳۸)
- ۲۳۹- و قال عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِيَّ ضَيَّعَ الْحُقُوقَ، وَ مَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِيَّ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ.
(ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۲۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۷۵/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳/۳۹۹ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۳۰۸)
- ۲۴۱- و قال عليه السلام: يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ.
(زمخشری، ۱۴۱۲: ۳/۳۱۲؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۷/۱ و وطواط، ۱۴۲۹: ۱۸۹ و ابشیهی، ۱۴۱۹: ۱۱۶)
- ۲۴۹- و قال عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ.
(آبی، ۱۴۲۴: ۲۰۰/۱؛ ثعالبی، ۱۴۲۱: ۲۲۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۷۷/۱ و زمخشری، ۱۴۱۲: ۳/۴۵۹)

۱. حسینی اشاره کرده که در دو کتاب «تفسیر کشف» و «تفسیر رازی» این حکمت به امام(ع)، نسبت داده نشده.

نتیجه گیری

در این پژوهش با بررسی ۲۵۰ حکمت اول از حکمت‌های نهج‌البلاغه، برای ۱۰۰ حکمت از آن به اسناد و منابع جدیدی از کتب اهل سنت (قبل و بعد از سیدرضی) دست یافته‌ایم که هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که به بررسی اسناد و مدارک نهج‌البلاغه پرداخته‌اند، به آنها اشاره‌ای نکرده‌اند. با بررسی بعضی از این پژوهش‌ها به کاستی‌ها و نواقصی برخوردیم که به برخی از آنها اشاره کرده‌ایم؛ از دیگر نتایج این مقاله معلوم می‌گردد، پژوهش‌های مربوط به اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، سخت نیازمند نقد و بازنگری است و راه پژوهش برای شناخت اسناد نهج‌البلاغه بسیار گسترده و ناپیموده است.

منابع

- الابي، منصور بن الحسين الرازي، أبوسعبد، «ت: ٤٢١» (١٤٢٤)، نشر الدر في المحاضرات، المحقق: خالد عبدالغني محفوظ، بيروت: دار الكتب العلمية
- آذرنوش، آذرتاش و سيدى، محمد (١٣٨٣)، «ابن حمدون»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، جلد سوم: ٣٤٤-٣٤٥
- الأبيهي، شهاب الدين محمد بن أحمد بن منصور أبو الفتح، «ت: ٨٥٢» (١٤١٩)، المستطرف في كل فن مستظرف، بيروت: عالم الكتب
- ابن ابى الحديد، عزيز الدين ابو حامد، «ت: ٦٥٦» (١٣٣٧)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابو الفضل ابراهيم، ناشر: كتابخانه عمومى مرعشى نجفى.
- ابن الأثير، نصر الله بن محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني، أبو الفتح، «ت: ٦٣٧» (١٤٢٠)، المثل السائر في أدب الكاتب والشاعر، المحقق: محمد محى الدين عبد الحميد، بيروت: المكتبة العصرية للطباعة والنشر.
- ابن الجوزى جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد، «ت: ٥٩٧» (١٤١٠)، أخبار الحمقى والمغفلين، شرح: عبد الأمير مهنا، دار الفكر اللبناني.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن على، أبو المعالى، بهاء الدين البغدادى، «ت: ٥٦٢» (١٤١٧)، التذكرة الحمدونية، بيروت: دار صادر.
- ابن قتيبه، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينورى، «ت: ٢٧٦» (١٤١٨)، عيون الأخبار، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الأصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله، «ت: ٤٣٠» (١٤٠٥)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، بيروت: دار الكتاب العربى.
- ابن عبدبر، أبو عمر، شهاب الدين أحمد بن محمد، «ت: ٣٢٨» (١٤٠٤)، العقد الفريد، بيروت: دار الكتب العلمية.
- التوحيدى، أبو حيان، على بن محمد بن العباس، «ت: ٤٠٠» (١٤٢٤)، الإمتاع والمؤانسة، بيروت: المكتبة العصرية.
- التوحيدى، أبو حيان، على بن محمد بن العباس (١٤٠٨)، البصائر والذخائر، المحقق: وداد القاضى، بيروت: دار صادر.
- الثعالبي، عبد الملك بن محمد بن إسماعيل أبو منصور، «ت: ٤٢٩» (١٤٠١)، التمثيل والمحاضرة، المحقق: عبدالفتاح محمد الحلو، الدار العربية للكتاب.
- الثعالبي، عبد الملك بن محمد بن إسماعيل أبو منصور (١٤٢١)، الشكوى والعتاب وما وقع للخلائق والأصحاب، المحقق: إلهام عبدالوهاب المقتى، المجلس الوطنى للثقافة والفنون والآداب.
- الثعالبي، عبد الملك بن محمد بن إسماعيل أبو منصور (بى تا)، الإعجاز والإيجاز، القاهرة، مكتبة القرآن.
- الثعالبي، عبد الملك بن محمد بن إسماعيل أبو منصور (بى تا)، خاص الخاص، المحقق: حسن الأمين: بيروت: دار مكتبة الحياة.
- الثعالبي، عبد الملك بن محمد بن إسماعيل أبو منصور (بى تا)، اللطائف والظرائف، بيروت: دار المناهل.

- الجاحظ، عمرو بن بحر، أبو عثمان، «ت: ۲۵۵» (۱۴۲۳)، البيان والتبيين، بيروت: دار ومكتبة الهلال.
- جعفری، سید محمد مهدی (بی تا)، پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه، انتشارات قلم.
- حسینی خطیب، عبدالزهراء (۱۳۶۷)، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، بیروت: دارالزهراء.
- الحصری، القیروانی، أبو إسحاق إبراهيم بن علی، «ت: ۴۵۳» (بی تا)، زهر الأدب و ثمر الألباب، بیروت: دارالجيل.
- الخطیب البغدادي، أبو بكر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی، «ت: ۴۶۳» (۱۴۲۰)، التطفيل وحكايات الطفيليين وأخبارهم ونوادير كلامهم وأشعارهم، بعناية: بسام عبدالوهاب الجابري الناشر: دار ابن حزم، الجفان والجابري للطباعة والنشر.
- الخوارزمي، أبي بكر محمد بن العباس، «ت: ۳۸۳» (۱۴۱۸)، مفيد العلوم ومبيد الهموم، بيروت: المكتبة العنصرية.
- الدميري، محمد بن موسى بن عيسى بن علی، أبو البقاء، كمال الدين الشافعي، «ت: ۸۰۸» (۱۴۲۴)، حياة الحيوان الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية.
- الراغب الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد، «ت: ۵۰۲» (۱۴۲۰)، محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء، بيروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم.
- الزمخشري، جار الله، «ت: ۵۸۳» (۱۴۱۲)، ربيع الأبرار ونصوص الأخيار، بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- الزمخشري، جار الله، «ت: ۵۸۳» (۱۹۸۷)، المستقصى في أمثال العرب، بيروت: دارالكتب العلمية.
- الطالبی، يحيى بن حمزة بن علی بن إبراهيم، الحسيني العلوي الملقب بالمؤيد بالله، «ت: ۷۴۵» (۱۴۲۳)، الطراز لأسرار البلاغة وعلوم حقائق الإعجاز، بيروت، المكتبة العنصرية.
- الطرابلسي، أمين الدولة محمد بن محمد بن هبة الله العلوي الحسيني أبو جعفر الأقطسي، «ت: ۵۱۵» (۱۴۲۵)، المجموع اللقيف، بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- الطرطوشي، أبو بكر محمد بن محمد ابن الوليد الفهري، «ت: ۵۲۰» (۱۲۸۹)، سراج الملوك، مصر: من أوائل المطبوعات العربية.
- عرشي، امتياز عليخان (۱۳۵۱)، استناد نهج البلاغه، مصحح: عزيز الله عطاردي، تهران.
- العسكري، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهرا، «ت: ۳۹۵» (۱۴۰۸)، الأوائل، طنطا: دار البشير.
- الفخر الرازي، محمد بن عمر بن الحسين الرازي الشافعي المعروف، «ت: ۶۰۶» (بي تا)، تفسير الفخر الرازي، دار النشر / دار إحياء التراث العربي.
- القالي، أبو علي، إسماعيل بن القاسم بن محمد بن سلمان، «ت: ۳۵۶» (۱۳۴۴)، الأمالی = شذور الأمالی = النوادر، عنى بوضعها وترتيبها: محمد عبدالجواد الأصمعي، دارالكتب المصرية.
- كاشف الغطاء، هادي، (بي تا)، مستدرک نهج البلاغه، بيروت، مكتبة الاندلس.

- المبرد، محمد بن يزيد بن عبد الأكبر الثمالي الأزدي، أبو العباس، «ت: ٢٨٥» (١٤٢١)، الفاضل، القاهرة: دار الكتب المصرية.
- الميداني، أبو الفضل أحمد بن محمد بن إبراهيم، «ت: ٥١٨» (بى تا)، مجمع الأمثال، المحقق: محمد محبى الدين عبد الحميد، بيروت: دار المعرفة.
- النويرى، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب، «ت: ٧٣٣»، (١٤٢٤)، نهاية الأرب فى فنون الأدب، تحقيق: مفيد قمحية و جماعة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الوطواط، أبو إسحق برهان الدين محمد بن إبراهيم بن يحيى بن على المعروف، «ت: ٧١٨» (١٤٢٩)، غرر الخصائص الواضحة، وعرر النقائض الفاضحة، تحقيق: شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الوشاء، محمد بن أحمد بن إسحاق بن يحيى، أبو الطيب، «ت: ٣٢٥» (١٣٧١)، الموشى = الظرف والظرفاء، المحقق: كمال مصطفى، مصر: مكتبة الخانجي.